

بررسی رابطه میزان دینداری و انواع آن با مدارای اجتماعی

سیدحسین سراجزاده

سارا شریعتی مزینانی

سیروس صابر

چکیده

مدارا از جمله موضوعات مهم اجتماعی و سیاسی است که در جامعه ما پژوهش‌های تجربی ناچیزی درباره آن انجام شده است. در این مقاله بر اساس یک نمونه ۳۳۵ نفره از دانشجویان، رابطه میزان و انواع دینداری با مدارای اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تأثیر میزان دینداری بر ابعاد و مؤلفه‌های مختلف مدارا متفاوت است. هرچه افراد دیندارتر باشند، مدارای آنان نسبت به موضوعاتی مثل مسائل جنسی، جرم، و ارتباط با غیرمسلمانان کمتر است. اما دینداری بر مدارای سیاسی، مدارای ملیتی، و مدارای قومی تأثیر چندانی ندارد. از طرف دیگر، اثر نوع دینداری، که در این پژوهش به کثرت گرا، شمول گرا، و انحصار گرا تقسیم شده است، بر انواع مدارا بیش از میزان دینداری است. در مجموع بر اساس یافته‌های این پژوهش نمی‌توان از رابطه یک‌بعدی بین دینداری و مدارا صحبت کرد، بلکه برای رسیدن به یک رابطه واقعی و دقیق درباره دینداری و مدارا، لازم است هم ابعاد و موضوع مورد مدارا و هم نوع دینداری مشخص شود. در موضوعاتی که هنجارها و قواعد دینی مشخص و صریح هستند، مدارای دینداران نیز کمتر می‌شود. همچنین، در مقایسه با سایر متغیرهای مورد بررسی، نوع دینداری اصلی‌ترین متغیر برای تبیین تغییرات مدارای اجتماعی است.

کلید واژه‌ها: دینداری، مدارا، کثرت گرایی، انحصار گرایی.

مقدمه

موضوع همزیستی در تاریخ بشر، هیچ‌گاه به گستردگی امروز محل بحث و مناقشه نبوده و این از آن روست که آدمیان هرگز اهمیت تفاوت را چنین ملموس و گسترده، به صورت رویارویی هر روزه با دیگربودگی^۱ تجربه نکرده بودند. در واقع در جامعه جدید و با گسترش ارتباطات محلی، ملی و بین‌المللی، برگ نوینی از تاریخ ورق می‌خورد و مردمان سراسر دنیا، امکان تعامل مداوم و وسیع با یکدیگر را پیدا می‌کنند. در این تعامل افرادی با هویت‌های دینی، ملی و قومی مختلف، در ارتباط نزدیک با هم قرار گرفته و با عرصه‌های نوین فرهنگی آشنا می‌شوند. با وجود این، انسان‌ها در هر جا که زندگی می‌کنند، سعی می‌کنند موقعیتی برای خود دست و پا کرده و پاره‌ای از سنت‌های خویش را حفظ کنند. چالش فراروی دولت‌ها و ملت‌ها، یافتن شیوه‌های کانالیزه کردن این گونه روابط به سمت تجربیات دموکراتیکی است که مفاهمه و گفتگوی بین ملت‌ها و نیز مبانی حقوق بشر، برابری جنسیتی، نژادی، دینی، قومی و... را تقویت کند. یکی از این شیوه‌های عمده، روحیه و رفتار توأم با مدارا می‌باشد. به همین دلیل هابرماس مدارا را برای کنش ارتباطی و مفاهمه‌ای مورد نظر خویش ضروری می‌داند (هابرماس، ۱۳۷۹: ۱۵۸) و یا بشیریه (۱۳۷۴: ۶۱) جوهره دموکراسی را مدارا می‌داند.

با توجه به این که اکثر جوامع از یک سنت دینی قوی برخوردارند، یکی از عواملی که می‌تواند در نهادینه کردن سنت مدارا در جامعه نقش عمده‌ای ایفا کند، نحوه برخورد دینداران با تنوعات موجود در زندگی اجتماعی است. در واقع دین، هنجارها و قواعدی را برای معتقدانش تجویز می‌کند که در اعمال و رفتار آنها در مناسبات روزانه و از جمله در مدارا با کسانی که مورد قبول فرد دیندار نیستند، تأثیرگذار است. آلپورت (۱۳۷۹: ۵۹) کارکرد دین را در مورد مدارا با مخالفان تناقض‌آمیز می‌داند و معتقد است که دین هم موجب تعصب است و هم نافی آن. ماکس وبر نیز در تحلیل خود درباره دینداری گروه‌های مختلف اجتماعی و اثر دین بر حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی، به تنش‌های بین دین و رفتارهای اجتماعی و از جمله امور سیاسی، جنسی، هنر، رفتارهای اقتصادی، حوزه خردورزی و... اشاره دارد (وبر، ۱۳۸۲: ۴۰۲-۳۷۵).

1. otherness

در جامعه ایران، مذهب با وجود فراز و نشیب‌هایی که در طول تاریخ داشته، همواره یکی از نهادهای پرنفوذ و مؤثر در عرصه زندگی اجتماعی بوده است. به‌خصوص پس از پیروزی انقلاب، دین از طریق کنترل نهاد سیاست توانسته است بر گستره وسیعی از زندگی اجتماعی سایه افکند. به طوری که در حال حاضر هم حکومت ماهیت دینی دارد و هم براساس پژوهش‌های پیمایشی، اکثریت قابل توجهی از جامعه دارای گرایش و التزام دینی هستند به طوری که بر اساس یافته‌های موج اول پیمایش «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان»، بیش از ۷۰ درصد پاسخگویان اعمال واجب دینی (نماز، روزه و...) را «همیشه» یا «اکثر اوقات» انجام می‌دهند (دفتر طرح‌های ملی وزارت ارشاد، ۱۳۸۱: ۱۷۴؛ همچنین برای ملاحظه یافته‌های مشابه رجوع شود به سراج‌زاده، ۱۳۸۳؛ میرسندهی، ۱۳۸۳؛ طالبان، ۱۳۸۰).

با این حال، جامعه ایرانی در دهه‌های اخیر با فرایندهای مربوط به مدرنیته یا تجدد مواجه بوده است. تجدد همه حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دینی را تحت تأثیر قرار داده و ارزش‌های جدیدی را در جامعه رواج داده است. این ارزش‌ها که از آن به ارزش‌های مدرن تعبیر می‌شود، موجب تکثر اعتقادات و گرایش‌های فکری و تنوع سبک‌های زندگی شده است که در برخی از زمینه‌ها با آموزه‌ها و تفسیرهای سنتی از دین در تعارض قرار دارد. از طرف دیگر، زندگی مسالمت‌آمیز در جوامعی که با پدیده تکثر فرهنگ‌ها و سبک‌های زندگی مواجهند، مستلزم داشتن سعه صدر و نگرش مداراجویانه از سوی افراد و گروه‌های مختلف آن جامعه است.

با توجه به نفوذ گسترده دین، نگرش و رفتار مداراجویانه دینداران در نهادینه‌شدن فرهنگ مبتنی بر پذیرش تنوعات فرهنگی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. از طرف دیگر جهان از گذشته دور تا به امروز با جدال‌های فرقه‌ای و مذهبی در سطوح ملی و بین‌المللی روبه‌رو بوده است. در حال حاضر هم برخی از گروه‌های مذهبی، که گاه با نام بنیادگرا شناخته می‌شوند، تنوع سبک‌های زندگی را بر نمی‌تابند و برای پیروان ادیان و عقاید مختلف حقوق اجتماعی و مدنی مشابهی قائل نیستند. این واقعیت‌ها، سؤال مربوط به رابطه دینداری و مدارا را به یک پرسش بسیار با اهمیت تبدیل می‌کند. بر این اساس، در این مقاله در پی بررسی این سؤال هستیم که چه رابطه‌ای بین دینداری و مدارا وجود دارد؟ آیا هر چه افراد دیندارتر باشند، مداراجویی آنان کمتر است؟ و یا نوع دینداری است که میزان مدارا را تعیین می‌کند و نه میزان دینداری؟

پیشینه تجربی

تحقیقاتی که در مورد رابطه دین و دینداری با مدارا انجام گرفته، عمدتاً بر دو جنبه از تأثیرات دینی تأکید کرده‌اند: جنبه اول وابستگی مذهبی است. در این راستا محققان سعی کرده‌اند تفاوت‌های پیروان ادیان و کلیساهای مختلف را از نظر مدارا یا نگرش مداراجویانه مشخص و تبیین کنند. جنبه دوم ناظر به میزان دینداری است که اثرات سطوح مختلف دینداری بر مدارا بررسی می‌شود (کارپف، ۲۰۰۲: ۲۶۸). در ادامه به نتایج برخی از این تحقیقات اشاره می‌شود.

دومینیک (۱۹۹۳) در تحقیقی بین‌الادیانی با عنوان «مدارا، عدم‌مدارا و گفتگوی بین‌دینی»، میزان مدارای پیروان چهار دین اسلام، مسیحیت، هندو و سیک^۱ را نسبت به موضوعاتی که گفتگو و در نتیجه مدارا بین گروه‌های دینی مختلف را تسهیل می‌کند، مورد سنجش قرار داد. جمعیت مورد مطالعه وی شامل ۳۰۰ نفر هندو، ۱۰۰ نفر مسلمان، ۵۰ نفر سیک و ۵۰ نفر مسیحی بود. محقق در این تحقیق به دنبال پاسخ به سؤالات زیر بود:

الف - میزان مدارا یا عدم‌مدارای دینی در بین پیروان چهار دین (هندو، مسلمان، سیک و مسیحی) چه قدر است؟

ب - از نظر جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی که به شرح زیر مطرح می‌شوند، پیروان کدام دین از مدارای بیشتری برخوردارند؟

- ازدواج در بین گروه‌های مذهبی مختلف

- پرستش و اجرای مراسم مذهبی در بین مذاهب مختلف

- مطالعه و پرستش مذهبی با استفاده از کتاب مقدس دیگر مذاهب

- شرکت در جشنواره‌های ادیان دیگر

- دریافت هدیه در مراسم مذهبی ادیان دیگر

نتایج حاصل از این تحقیق به صورت اجمالی در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱. میزان مدارای پیروان ادیان مختلف

موقعیت	بیشترین مدارا	کمترین مدارا
۱. دعا و نیایش	هندوها سیک‌ها	مسیحیان مسلمانان
۲. نام خدا	هندوها مسیحیان	سیک‌ها مسلمانان
۳. محل عبادت	هندوها مسلمانان	مسیحیان سیک‌ها
۴. تفاوت در عبادت	سیک‌ها مسیحیان	هندوها مسلمانان
۵. حقیقت کتاب مقدس	سیک‌ها مسلمانان	هندوها مسیحیان
۶. ادعای برحق بودن	سیک‌ها مسیحیان	هندوها مسلمانان
۷. استفاده از کتاب مقدس	هندوها مسیحیان	مسلمانان سیک‌ها
۸. مراسم مذهبی	سیک‌ها هندوها	مسلمانان هندوها
۹. شرکت در جشنواره‌ها	هندوها مسلمانان	سیک‌ها مسیحیان
۱۰. پرستش چند مذهبی	مسلمانان مسیحیان	هندوها سیک‌ها
۱۱. سهیم شدن در هدایا	هندوها مسلمانان	سیک‌ها مسیحیان
۱۲. ازدواج	سیک‌ها مسیحیان	هندوها مسلمانان

همان‌طور که محتوای این جدول نشان می‌دهد، هندوها در مقایسه با پیروان سه دین دیگر نسبت به موقعیت‌های مورد بررسی با مدارای بیشتری برخورد می‌کنند. آنها در شش موقعیت از دوازده موقعیت مورد بررسی، بیشترین مدارا را نشان داده‌اند، در حالی که پیروان ادیان اسلام و مسیحیت مدارای کمتری دارند. محقق علت این امر را در ساختار و آموزه‌های ادیان فوق می‌داند. ساختار مذهب هندو جزمی و نهادینه‌شده نیست، در حالی که مسیحیت و اسلام به اصول جزمی خود بسیار اهمیت می‌دهند (دومینیک، ۱۹۹۳: ۲۲-۲۰).

در تحقیق دیگری تحت عنوان «دینداری و مدارا در ایالات متحده و لهستان»، کارپف (۲۰۰۲) به مقایسه تأثیر دینداری بر مدارا در این دو کشور می‌پردازد. در این تحقیق مدارا از طریق اعطای حقوقی مثل سخنرانی عمومی، تدریس در کالج‌ها و داشتن کتاب‌هایی در کتابخانه‌های عمومی درباره ملحدان^۱، کمونیست‌ها، نظامی‌گرایان^۲، نژادپرستان^۳ و هم‌جنس‌بازان^۴ سنجیده شده است. دینداری نیز دارای چهار بعد بود: مشارکت دینی^۵، التزام دینی^۶، جهت‌گیری تئوکراتیک^۷، و وابستگی مذهبی^۸.

محقق با توجه به بحث‌هایی که در مورد رابطه دینداری و مدارا انجام می‌دهد، نتیجه می‌گیرد که دینداری با ویژگی‌های عمومی آن تأثیر منفی بسیار اندکی بر مدارا دارد. آنچه که رابطه دینداری با عدم مدارا را تشدید می‌کند، دینداری تئوکراتیک یا دینداری سیاسی است، به این ترتیب که دیندارانی که معتقدند کلیسا باید در قدرت سیاسی دخالت کند، کمتر اهل مدارا هستند (کارپف، ۲۰۰۲: ۲۸۸-۲۶۷).

علاوه بر نوع و میزان دینداری، برخی تحقیقات نیز تأثیر ابعاد مختلف دینداری را مورد توجه قرار داده‌اند. براساس یافته‌های استایر (۱۹۸۰)، پرهیزکاری شخصی تأثیر منفی بر مدارا دارد. اسمیت و پنینگ (۱۹۸۲) معتقدند که تعهد مذهبی ممکن است به طور منفی با مدارای سیاسی ارتباط داشته باشد، اما این رابطه به واسطه مسائل سیاسی فرق می‌کند. اودونل (۱۹۹۳) نیز گزارش می‌کند که تعهد مذهبی، مدارا نسبت به جنبش‌های مذهبی جدید را کاهش می‌دهد. الیسون و موزیک (۱۹۹۳) نیز دریافته‌اند که با کنترل متغیرهای زمینه‌ای، مشارکت مذهبی تأثیر معنی‌داری بر مدارا ندارد، در حالی که محافظه‌کاری مذهبی دارای رابطه معنی‌داری با مدارا است.

شمار تحقیقات تجربی که در ایران درباره مدارا انجام شده، بسیار اندک است. در پژوهشی تحت عنوان «بردباری اجتماعی و نشانگان فرهنگی»، رابطه متغیرهای فرهنگی مختلفی از قبیل فردگرایی، جمع‌گرایی،

1. Atheists

2. militarists

3. Racists

4. homosexuals

5. religious participation

6. religious commitment

7. theocratic orientation

8. religious affiliation

اقتدار گرایی، جزم‌اندیشی، احساس عدالت، عام‌گرایی، تحریک اجتماعی، عزت نفس با بردباری اجتماعی براساس نمونه ۳۰۰ نفری از شهروندان تهرانی بررسی شده است. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که اقتدار گرایی و جزم‌اندیشی با بردباری اجتماعی دارای رابطه منفی و عام‌گرایی، عزت نفس، احساس عدالت و فردگرایی و جمع‌گرایی افقی با آن دارای رابطه مثبت هستند (بهمن‌پور، ۱۳۷۸). با آن که در این تحقیق، رابطه متغیرهای فرهنگی مختلفی با بردباری اجتماعی بررسی شده است، به تأثیر دینداری بر مدارا توجهی نشده است. در پژوهشی دیگر تحت عنوان «بررسی چگونگی تساهل سیاسی در تشکلهای دانشجویی»، براساس نمونه‌ای شامل ۲۳۰ نفر از دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، اثر برخی متغیرهای اجتماعی و زمینه‌ای، از جمله قشربندی اجتماعی و دینداری بررسی شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که جنسیت، تحصیلات والدین، وضعیت تأهل و نیز پایگاه اجتماعی و اقتصادی فرد تأثیر معنی‌داری بر مدارای سیاسی ندارند، در حالی که اثر دینداری بر مدارای سیاسی منفی و معنی‌دار است (افشانی، ۱۳۸۲). با وجود این، در این تحقیق توجه چندانی به رابطه این دو متغیر و زمینه‌های نظری موضوع نشده است.

چهار چوب مفهومی و نظری

در فرهنگ هریتیج آمریکا، مدارا به معنای احترام به هویت، عقاید و رفتار دیگران و شناسایی حقوق رسمی افراد و گروه‌ها برای داشتن عقاید مخالف تعریف شده است (ویلیام، ۱۹۹۷: ۱۳۵۱). همچنین در «بیانیه اصول مدارا» که در طی نشست بیست و هشتمین کنفرانس عمومی یونسکو در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۵ مورد تصویب دولت‌ها قرار گرفت، مدارا چنین تعریف شده است: احترام گذاشتن، پذیرش و ارج نهادن به فرهنگ‌های متنوع پیرامونمان، اشکال مختلف آزادی بیان، و شیوه‌های متنوع انسان بودن (آگیوس و آمبروسویکز، ۲۰۰۳: ۱۲). بنابراین تعاریف، ماهیت مدارا این است که مردم حق دارند براساس باورهایشان رفتار کنند، حتی اگر باورها و رفتارهای منبعث از آن مورد قبول ما نباشد. لازمه مدارا وجود این است که بپذیریم افراد بشر در نگرش، گفتار، رفتار و ارزش‌هایشان متفاوت هستند. مدارا هم در رفتار و هم در کردار افراد ظاهر می‌شود، بنابراین نوعی نگرش و الگویی از کنش احترام‌آمیز نسبت به افراد، گروه‌ها و عقاید و اعمال آنها و نیز موضوعاتی است که مورد تأیید و پسند فرد نیست.

در بین صاحب‌نظران، مدارا به عنوان یک مفهوم چندبعدی در نظر گرفته شده است. پیتیر کینگ (۱۹۷۶: ۷۵) در اثر مشهور خود به نام «مدارا»، مدارای اجتماعی را شامل سه نوع مدارای هویتی، سیاسی، و رفتاری می‌داند. مدارای هویتی، ناظر به هویت اجتماعی دیگران است و شامل مدارا نسبت به پیروان ادیان دیگر (مدارای دینی)، مدارا نسبت به افرادی از ملیت‌های دیگر (مدارای ملیتی) و مدارا نسبت به قومیت‌های دیگر (مدارای قومیتی) می‌شود. این سه نوع مدارا با استفاده از شش موقعیت که فرد در روابط خویش با دیگران ممکن است در آن قرار بگیرد سنجیده شدند. میزان تمایل فرد به قبول این موقعیت‌ها نشان دهنده میزان مدارای وی خواهد بود. این موقعیت‌ها عبارتند از ازدواج، همسایگی، همسفرگی، شراکت، هم‌نشینی و معامله.

مدارای سیاسی، به معنی شناسایی حق‌گردهایی صاحبان عقاید مخالف و نشان‌دهنده حق اعتراض برای گروه‌هایی است که مورد تایید فرد نیستند. مدارای رفتاری، به معنی عدم‌سخت‌گیری نسبت به برخی از الگوهای رفتاری است که از نظر فرد نادرست هستند و شامل سه نوع است: مدارا در الگوهای روابط جنسیتی، مدارا نسبت به جرم، و مدارا نسبت به مجرم.

عوامل مختلفی در اتخاذ نگرش و منش مداراجویانه یا نامتساهلانه تأثیر دارند که صورت‌های سنتی دینداری یکی از آنها و شاید مهم‌ترین آنهاست. لازم به یادآوری است که برداشت‌های سنتی از دین لزوماً بازنمای جوهر حقیقی دین به گونه‌ای که مورد نظر شارع مقدس و پیامبران بوده نیستند، بلکه گاه بازنمای تعصبات خودمدارانه جوامع سنتی می‌باشند. تلقی‌های خودمدارانه جوامع سنتی از دین باعث شده که در اکثر رویدادهایی که با عدم‌مدارا و نابردباری همراه بوده است، بتوان نشانه‌هایی از باورهای دینی ملاحظه کرد. جنگ‌های مذهبی که به دلیل عدم تحمل مذاهب دیگر صورت می‌گرفت و برخوردهایی که با اندیشمندان بدعت‌گذار، از نظر علمی و نظری می‌شد؛ معمولاً انگیزه و صورت مذهبی داشته است.

از جنبه نظری، در نظریات برخی از جامعه‌شناسان و روانشناسان از جمله دورکیم، وبر، و آلپورت می‌توان دلالت‌هایی مبنی بر چگونگی رابطه دینداری و مدارا پیدا کرد. دورکیم نگاه کارکردگرایانه به دین دارد. به نظر او کارکرد مهم دین تقویت وجدان جمعی و انسجام اجتماعی است. انسجام اجتماعی به دو صورت مکانیک و ارگانیک است. در انسجام اجتماعی مکانیک که مبتنی بر مشابهت و همانندی است همه افراد به هنجارها و ارزش‌های جمعی باور دارند و بر آن اساس عمل می‌کنند. این نوع انسجام ویژه جوامع سنتی است و دین نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ و تقویت آن دارد. نشانه جامعه دارای انسجام اجتماعی مکانیک، نظام حقوقی تیبیهی

است که به دنبال تنبیه و مجازات شدید کسانی است که هنجارهای اجتماعی را نقض می کنند. به این ترتیب «هنگامی که خواستار تنبیه مجرم می شویم، به خاطر انتقام شخصی خود ما نیست، بلکه به خاطر حرمت چیز مقدسی است که ما تصور کم و بیش روشنی از آن به صورت نیروی برتر و خارج وجود خود داریم. تصور ما از این چیز برتر برحسب زمان و مکان فرق می کند؛ گاه فقط اندیشه ساده‌ای است مانند اخلاق، وظیفه و اغلب هم تصویری است به شکل یک یا چند موجود مشخص مانند نیاکان و خدایان. به همین دلیل حقوق جزایی نه تنها در آغاز شکل مذهبی دارد، بلکه خصلت مذهبی بودنش را تا حدی همیشه حفظ می کند» (دورکیم، ۱۳۶۹: ۹۳). به اعتقاد دورکیم مذهب هنجارهایی را برای وجدان جمعی تجویز می کند و انتظار دارد که اعضای جامعه آنها را درونی کرده و بر مبنای آن عمل کنند. در نتیجه، اعمال و عقایدی که مغایر با هنجارهای مذهبی باشد نه تنها مورد تأیید قرار نمی گیرد، بلکه به عنوان تهدیدکننده وجدان جمعی مجازات می شود. براساس تحلیل دورکیم می توان انتظار داشت که مدارای دینداران نسبت به کسانی که براساس ارزش‌ها و هنجارهای مورد قبول آنان رفتار نمی کنند، کمتر باشد.

وبر معتقد است دین با مسائل و امور گوناگونی در تنش دائمی است که از آن جمله می توان به تنش دین با اجتماعات، اقتصاد، امور سیاسی، امور جنسی، هنر و حوزه خردورزی اشاره کرد (وبر، ۱۳۸۲: ۴۰۲-۳۷۵). دین با موضع گیری در برابر این امور و واکنشی که نسبت به آنها نشان می دهد، الگوی خاصی از رفتار را تجویز می کند و انتظار دارد که پیروانش از این الگو تبعیت کنند. بنابراین، پیروان ادیان آمادگی کمتری برای تحمل و مدارا با رفتارهایی که مورد قبول دین آنها نیست دارند. پارسونز در این زمینه اشاره می کند که «اخلاق دینی چنانچه وبر یادآور می شود، بیشتر با تحمیل گرایشی که باید عمویت یابد یا با تحمیل الگویی از کردار مشخص می شود» (پارسونز، ۱۳۷۹: ۴۴).

آلپورت در بحث خویش در زمینه ارتباط «دین و تعصب»، کارکرد دین را تناقض آمیز می داند چرا که هم موجد تعصب است، هم نافی آن. به نظر وی به رغم آن که تعالیم ادیان بزرگ فراگیر و جهان شمولند و بر اخوت و برادری تأکید می کنند، اجرای این تعالیم همواره با تفرقه انگیزی و بی رحمی همراه بوده است (آلپورت، ۱۳۷۹: ۵۹).

علاوه بر تأثیر دین به طور کلی و میزان دینداری، می توان از تأثیر انواع دینداری بر مدارا نیز صحبت کرد. دین یک شکل و حالت ثابت ندارد، بلکه در بین افراد مختلف به شکل های متفاوت بروز و ظهور می یابد. بنابراین، انواع مختلف دینداری می تواند تأثیرات متفاوتی در اتخاذ نگرش و کنش متساهلانه یا نامتساهلانه بر جای گذارد. برای دینداری انواع متفاوتی توسط صاحب نظران مطرح شده است که نوع شناسی هایی که به نوعی با مدارا ارتباط پیدا می کنند، در جدول شماره ۲ خلاصه شده اند و در اینجا به اختصار مطرح می شوند.

جان هیک^۱ (۱۳۷۸) نگرش های مختلفی را که در روند تحول موضع گیری مسیحیت (کلیسا) نسبت به تنوعات و تکثرات و یا به عبارتی تنوع ادیان شکل گرفته، به سه دسته تقسیم می کند: «انحصار گرایی»^۲ «شمول گرایی»^۳ و «کثرت گرایی»^۴. به اعتقاد هیک انحصار گرایی، نجات و آزادی انسان را منحصرأ به یک سنت دینی خاص مرتبط می سازد، به نحوی که این از جمله عقاید دینی و مباحث ایمانی ایشان است که نجات منحصر به همین گروه خاص است و بقیه انبای بشر یا از معرکه بیرون می مانند و یا این که به صراحت از قلمرو نجات و رستگاری مستثنی می شوند (هیک، ۱۳۷۸: ۶۵). کثرت گرایی عبارت است از قبول و پذیرش این دیدگاه که تحویل و تبدیل وجود انسانی از حالت خودمحوری به خدامحوری (حقیقت محوری)، به طرق گوناگون در درون همه سنت های دینی بزرگ عالم صورت می گیرد. به عبارت دیگر، تنها یک راه و شیوه نجات و رستگاری وجود ندارد، بلکه راه های متعدد و متکثری در این زمینه وجود دارد.

شمول گرا نیز مانند انحصار گرا تنها یک راه برای رستگاری و نجات قائل است و آن نیز صرفاً در یک دین خاص وجود دارد یا از طریق طرز تلقی پیروان مذهب خاصی در درون سنت دینی خاص حاصل می شود. با این حال وی معتقد است که همه می توانند در این راه گام نهند. فرد شمول گرا درهای بهشت را کمی باز می کند، به گونه ای که پیروان ادیان دیگر نیز امکان ورود به آن را پیدا می کنند، البته به شرطی که در سنت دینی خویش انسان های درستکاری باشند. به این ترتیب دینداری شمول گرا در مرز بین انحصار گرایی و کثرت گرایی قرار می گیرد (هیک، ۱۳۷۸: ۶۹).

-
1. John Hick
 2. exclusivism
 3. inclusivism
 4. pluralism

جدول ۲. انواع دینداری

نظریه پرداز	نوع دینداری	ویژگی	پیامد برای کنش دینداران
جان هیک (۱۳۷۸)	انحصارگرا	تنها دین خود را واجد حقیقت و نجات می داند.	عدم مدارا
	شمولگرا	برای پیروان ادیان دیگر نیز جنبه‌ای از حقیقت قایل است، به شرط اینکه در سنت دینی خویش انسانهای درستکاری باشند.	مدارای مشروط
	کثرتگرا	برای ادیان مختلف بهرامی از حقیقت می شناسد و برای پیروان آنها رستگاری قایل است.	اهل مدارا
آپورت (۱۳۷۹)	درونگرا	فرد تعالیم بنیادی مذهب در مورد اخوت و برادری را منعکس کننده آرمان‌هایی می داند که صادقانه باورشان دارد.	شخصیتی مداراجو
	برونگرا	از مذهب به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به مقاصد استفاده می کند.	شخصیتی اقتدارگرا و تعصب آلود
اریک فروم (۱۳۵۴)	نوع خواهانه	بر محور انسان و توانایی او بنا شده که در آن انسان باید نیروی منطقی خود را جهت شناسایی خویش، رابطه‌اش با هم‌نوعان و همچنین موقعیت خود در جهان، توسعه دهد.	مداراجو
	خودخواهانه	شناسایی یک قدرت برتر که بر سر نوشت انسان تسلط داشته و واجب اطاعت و لازم الاحترام است.	نامتساهل
سروش (۱۳۷۸)	مصحلت‌اندیش	استفاده ابزاری از دین و تاکید بر عاطفه و حزمیت	عدم مدارا
	معرفت‌اندیش	نقد و پرسشگری و به رسمیت شناختن تنوعات زندگی	اهل مدارا
	تجربت‌اندیش	تاکید بر یک رابطه عاطفی با خدا	مدارای مشروط
ملکیان (۱۳۷۸)	بنیادگرا	تاکید بر ظواهر دین نه روح آن	عدم مدارا
	سنتگرا	قبول تنوعات و تکرر زندگی و پذیرش فرهنگ غربی به شرط اینکه مطابق اسلام باشد	مدارای مشروط
	تجددگرا	به رسمیت شناختن فرهنگ‌های مختلف و مدارا با آنها	اهل مدارا

آپورت معتقد است برای ارائه تحلیلی روشن از نسبت دین و مدارا باید نوع دینداری افراد و انگیزه‌های آنها از توسل به دین را مشخص کرد. وی در این زمینه دو نوع دینداری تشخیص می‌دهد: ۱. دینداری برون‌دینی (نهادی)؛ ۲. دینداری درون‌دینی (شخصی).

«در نوع اول شخص به خاطر امنیت، قدرت و برتری به عضویت کلیسا درمی آید و شخصیتی اقتدارگرا و تعصب آلود دارد. در نوع دوم فرد تعالیم بنیادین کلیسا در مورد اخوت و برادری را منعکس کننده آرمان‌هایی می‌داند که صادقانه باورشان دارد، و از این رو به عضویت کلیسا درآمده و شخصیتی مداراجو دارد» (آلیپورت، ۱۳۷۹: ۵۹).

اریک فروم (۱۳۵۴) نیز با نگاه روانشناسانه به سنخ‌شناسی ادیان و دینداری می‌پردازد. وی دو نوع دین را تشخیص می‌دهد که در سطح فردی و در نگرش افراد می‌توان از آن به دو نوع دینداری تعبیر کرد: دین خودکامه^۱ و دین انسان‌گرا^۲. دین خودکامه به معنای شناسایی یک قدرت برتر است که بر سرنوشت انسان تسلط دارد و واجب‌الاطاعه و لازم‌الاحترام است. در مقابل، دین انسانگرا برای انسان و براساس توانایی او سامان یافته است. این نوع برداشت از دین با تصویر خشنی که از دین ترسیم می‌کند، توسل به خشونت را برای دینداران تجویز می‌کند.

از متفکران داخلی نیز سروش و ملکیان در این زمینه از انواع دینداری سخن گفته‌اند. سروش از سه گونه دینداری بحث کرده است: ۱. دینداری مصلحت‌اندیش (غایت‌اندیش)؛ ۲. دینداری معرفت‌اندیش؛ و ۳. دینداری تجربت‌اندیش (سروش، ۱۳۷۸: ۲۲).

مشخصه اصلی دین‌ورزی مصلحت‌اندیش، تأکید صرف به ظاهر دین و مناسک پرستی، جزمیت و غیرعقلانی یا عاطفی بودن است که باعث می‌شود این گونه از دینداری مداراجو نباشد. ویژگی دینداری معرفت‌اندیش عقلانیت و پرسشگری و فاصله گرفتن از جزمیت است که باعث می‌شود دین‌ورزان خردورز تنوعات و تکثرات موجود در عرصه دین و دینداری را به رسمیت بشناسند. دین‌ورزی تجربت‌اندیش دینداری بی‌استعجابی، کشفی، تجربی، یقینی، فردی، جبری، صلحی، بهجتی، وصالی، شهودی، قدسی، عرفانی، و رازآلود (همان: ۲۶).

در تقسیم‌بندی ملکیان دینداری دارای سه نوع بنیادگرا، سنت‌گرا، و تجددگرا است. دینداری بنیادگرا بر ظواهر اسلام تأکید می‌کند، نه بر روح آن و نص‌گرا و نقل‌گرا است. این نوع دینداری به تکثرگرایی دینی قائل نیست، با فرهنگ غرب و تجدد مخالف است و هر تفسیری از اسلام را که به گفتگوی بین فرهنگی قائل است،

1. authoritarian religion
2. humanistic religion

بر نمی‌تابد، بنابراین به غیرخودش بدبین است. در مقابل دینداری تجددگرایانه بر روح پیام اسلام تأکید دارد، نه بر ظواهر آن. تدین را بیش از هر چیز در اخلاقی زیستن می‌بیند، آن هم اخلاقی این جهانی و انسانگرایانه. به تکثرگرایی دینی قائل است و از تکثرگرایی سیاسی نیز استقبال می‌کند. دینداری سنت گرا در حد فاصل بین دو نوع قبلی قرار دارد. در این نوع دینداری، تدین بیشتر نوعی سیر و سلوک باطنی است که در آن رعایت دقیق احکام شریعت و فقه شرط لازم ولی غیر کافی است. دغدغه تاسیس حکومت شریعت‌مدار و فقه‌گرا ندارد، بلکه بیشتر در پی آن است که در سطح عموم نوعی اخلاق مبتنی بر آموزه «هرچه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران نیز مپسند» و مدارا و مروت و آسانگیری بر دیگران و سختگیری بر خود رواج یابد (ملکیان، ۱۳۷۸: ۱۳-۱۲).

در بین انواع دینداری مورد بحث که در جدول ۲ نیز خلاصه شده‌اند، نوع‌شناسی جان‌هیک که انواع آن با انواع مطرح شده توسط ملکیان تا حد زیادی مطابقت دارد مبنای کار این پژوهش قرار گرفت. این انتخاب به این دلیل صورت گرفت که تقسیم‌بندی او جنبه معرفت‌شناسانه دارد. به عبارت دیگر ناظر به نگرش افراد درباره حقیقت سایر ادیان و امکان رستگاری پیروان آنهاست و با توجه به روند تاریخی شکل‌گیری مدارا ارائه شده است. مبنای قرار گرفتن نوع‌شناسی هیک می‌تواند اثر نگاه‌های مختلف معرفت‌شناسانه از نظر حقیقت ادیان بر مدارای اجتماعی را بیازماید.

با توجه به بحث‌های انجام شده در ارتباط با تأثیر میزان دینداری و انواع آن بر مدارای اجتماعی فرضیات زیر قابل طرح است:

- از آنجا که دینداری‌هایی که نوعاً در جامعه آموخته می‌شود، بازنمای عناصر شناختی جامعه سنتی است و نه لزوماً جوهر حقیقی دین، میزان دینداری بر میزان مدارای اجتماعی اثر می‌گذارد؛ به طوری که هر چه افراد دیندارتر باشند، از مدارای اجتماعی کمتری برخوردارند.

- اثر ابعاد مختلف دینداری (اعتقادی، مناسکی، احساسی، پیامدی) بر مدارای اجتماعی متفاوت است.

- میزان مدارای اجتماعی متأثر از نوع دینداری است، به طوری که دینداران انحصارگرا، میزان مدارای اجتماعی‌شان پایین و دینداران کثرت‌گرا از مدارای اجتماعی بالایی برخوردارند.

روش‌شناسی

جمعیت و نمونه

روش این تحقیق پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق را دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی تشکیل می‌دهند که در سال تحصیلی ۱۳۸۴-۱۳۸۳ مشغول به تحصیل بودند. تعداد این دانشجویان ۳۵۷۳ نفر بود که با استفاده از فرمول نمونه‌گیری با احتمال خطای حداکثر ۵٪، دقت احتمالی ۰/۰۵ و با فرض بیشترین تنوع در صفت مورد مطالعه، تعداد نمونه ۳۴۶ نفر محاسبه شد. لازم به یادآوری است که پرسشنامه توسط ۳۵۰ نفر تکمیل گردید و در تجزیه و تحلیل داده‌ها، ۱۵ پرسشنامه فاقد اعتبار تشخیص داده شد و تجزیه و تحلیل نهایی بر روی ۳۳۵ پرسشنامه انجام گرفت.

شیوه نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود. دانشگاه محقق اردبیلی دارای چهار دانشکده ادبیات، علوم پایه، کشاورزی و فنی و مهندسی است. هر کدام از این دانشکده‌ها دارای تعدادی رشته هستند که از هر کدام از آنها دو رشته به صورت تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شده است. در انتخاب رشته‌ها، روش نمونه‌گیری PPS^۱ (احتمال متناسب با حجم) اعمال شد، یعنی به رشته‌هایی که تعداد دانشجوی بیشتری داشتند، احتمال بیشتری برای انتخاب شدن داده شد.

نحوه سنجش متغیرها

همان‌طور که فرضیه‌های مطرح شده نشان می‌دهند، در این پژوهش متغیر وابسته مدارای اجتماعی و متغیرهای مستقل اصلی، میزان دینداری و انواع دینداری هستند. همچنین اثر متغیرهای مستقل زمینه‌ای، مثل جنسیت، سن، سال تحصیلی، تحصیلات والدین و درآمد خانواده هم بررسی شده است. در این قسمت به تعریف عملیاتی یا نحوه سنجش متغیرهای اصلی می‌پردازیم.

1. probability proportionate to size sampling

مدارای اجتماعی

همان طور که پیش تر گفته شد، منظور از مدارا، احترام گذاشتن به هویت، عقاید و رفتار دیگران و شناسایی حقوق رسمی افراد و گروه‌ها برای داشتن عقاید مخالف است و این مفهوم براساس تقسیم‌بندی پیتز کینگ (۱۹۷۶: ۷۵) شامل سه نوع مدارای هویتی، سیاسی، و رفتاری است. این تقسیم‌بندی برای تعریف عملیاتی دینداری مبنای کار قرار گرفته است.

مدارای هویتی، با استفاده از شش موقعیت که فرد در روابط خویش با دیگران ممکن است در آن قرار بگیرد، در ارتباط با پیروان ادیان دیگر (مدارای دینی)، افرادی از ملیت‌های دیگر (مدارای ملیتی)، و افرادی از قومیت‌های دیگر (مدارای قومیتی) سنجیده شد. این موقعیت‌ها عبارتند از ازدواج، همسایگی، همسفرگی، شراکت، همنشینی و معامله. میزان تمایل فرد به قبول این موقعیت‌ها در ارتباط با افراد متعلق به ادیان، اقوام، و ملیت‌های دیگر نشان‌دهنده میزان مدارای وی خواهد بود. مقدار آلفای کرونباخ برای مدارای دینی برابر با $0/94$ ، مدارای ملیتی $0/93$ و مدارای قومیتی $0/94$ محاسبه شد که نشان‌دهنده ضریب پایایی بالای این مقیاس است.

مدارای سیاسی، که ناظر به قبول حق اعتراض برای گروه‌هایی است که مورد تأیید فرد نیستند، با گویه‌های زیر مورد سنجش قرار گرفته است:

- اگر در یک اجتماع سیاسی افرادی که با شما هم‌عقیده نیستند، بخواهند سخنرانی کنند، شما تا چه اندازه موافق سخنرانی چنین افرادی خواهید بود.
- اگر تشکلی که مورد قبول شما نیست، بخواهد در سطح دانشگاه اجتماع سیاسی برپا کند، تا چه اندازه موافق اقدام آنها خواهید بود.
- اگر تشکل مزبور که مورد حمایت شما نیست، اقدام به گرفتن مجوز برای برگزاری تجمع یا راهپیمایی در سطح شهر کند، نظر شما در این مورد چیست.
- با دادن اجازه برگزاری تجمعات و میتینگ به احزاب مختلف به خصوص آنهایی که عقایدشان مورد قبول شما نیست، تا چه حد موافقت می‌کنید.

مقدار آماره آلفا برای مقیاس مدارای سیاسی برابر با $0/88$ می‌باشد که نشان می‌دهد گویه‌های مزبور برای تشکیل مقیاس مدارای سیاسی دارای پایایی مناسبی هستند.

مدارای رفتاری، ناظر به سه نوع مداراست: مدارا در الگوهای روابط جنسیتی، مدارا نسبت به جرم، و مدارا نسبت به مجرمان. مدارا در روابط جنسیتی با توجه به میزان موافقت با هر یک از سه گویه زیر مورد سنجش قرار گرفته است و مقدار آلفای آن ۰/۸۶ می باشد که نشان دهنده پایایی بالای این مقیاس است:

- رابطه دوستی زن و مردی که ازدواج نکرده اند

- داشتن تجربه جنسی برای زنی که ازدواج نکرده است

- داشتن تجربه جنسی برای مردی که ازدواج نکرده است

مدارا نسبت به جرم بر اساس میزان جدی و مهم دانستن ده جرم مشخص از نظر پاسخگویان سنجیده شده است. این جرمها عبارتند از: قتل عمد، قتل غیر عمد، زنا، اقدام علیه امنیت ملی، ارتداد، مصرف مواد مخدر، جرائم مطبوعاتی، نشر مطالب ضد دین، همجنس بازی و پخش فیلمهای مستهجن. مقدار آلفای این مقیاس ۰/۸۸ می باشد که نشان می دهد این مقیاس نیز از ضریب پایایی بالایی برخوردار است.

مدارا با مجرمان با استفاده از دو گویه زیر مورد سنجش قرار گرفته است و مقدار آلفای آن ۰/۶۸ می باشد که در حد قابل قبولی است:

- اکثر مجرمان محصول و قربانی شرایط بد اجتماعی اقتصادی خود هستند؛ در نتیجه در مجازات آنها باید به این شرایط توجه کرد و به فکر اصلاح آنها بود نه مجازات سنگین.

- مجرمان انگل های اجتماع هستند که برای حفظ امنیت دیگران باید با قاطعیت و بدون ملاحظه با آنها برخورد کرد.

۲. میزان دینداری

در سنجش میزان دینداری با الهام از سنجه به کار رفته توسط پژوهشگران قبلی (سراجزاده، ۱۳۷۷؛ طالبان، ۱۳۸۰) از مدل گلاک و استارک (۱۹۷۱: ۲۰-۱۹) استفاده شده است. در این مدل پنج بعد اعتقادی یا ایدئولوژیک^۱، رفتاری یا مناسکی^۲، دانشی یا شناختی^۳، احساسی یا تجربی^۴ و پیامدی^۵ برای دینداری در نظر گرفته شده است که با الهام از پژوهش های فوق، بعد شناختی در تعریف عملیاتی دینداری مورد استفاده قرار نگرفت.

1. ideological
4. experimental

2. ritualistic
5. consequential

3. intellectual

مناسک دینی با استفاده از برخی اعمال دینی فردی و جمعی از قبیل نماز، روزه، دعا و نیایش، قرآن خواندن و شرکت در اعیاد و عزاداری‌های مذهبی عملیاتی شده است. در بعد اعتقادی بیشتر اصول اعتقادی دین اسلام مد نظر بوده است. این اصول معادل «باورهای پایه‌ای مسلم»^۱ است که گلاک و استارک مشخص کرده‌اند. به این ترتیب این بعد با توجه به اصول اعتقادی زیر عملیاتی شده است: اعتقاد به زندگی پس از مرگ و رسیدگی به اعمال انسان‌ها در آن، اعتقاد به وجود خدا، اعتقاد به ظهور منجی بشریت، اعتقاد به وجود شیطان، اعتقاد به وجود بهشت و جهنم.

بعد احساسی شامل عواطف و احساساتی مثل احساس نزدیکی به خدا، احساس کوچکی در برابر خدا، احساس معنویت در اماکن مذهبی، و احساس ندامت پس از مرتکب شدن گناه است. بعد پیامدی از طریق قائل شدن نقش حداکثری یا حداقلی برای دین، معیار قراردادن رعایت احکام در دینداری، و لزوم مذهبی بودن رهبران سیاسی مورد سنجش قرار گرفته است. مقیاس دینداری با ترکیب گویه‌های چهار بعد فوق ایجاد شد. مقدار آلفای این مقیاس برابر با ۰/۹۴ می‌باشد که نشان می‌دهد ابعاد فوق معرف مناسبی برای ساختن مقیاس دینداری است.

۳. انواع دینداری

در سنجش گونه‌های دینداری از مدل جان هیک استفاده شده است. در این مدل گونه‌های دینداری عبارتند از دینداری کثرت‌گرا، دینداری شمول‌گرا و دینداری انحصارگرا. همان‌طور که در قسمت چارچوب مفهومی مطرح شد، این تقسیم‌بندی جنبه معرفت‌شناختی دارد و مبتنی بر آموزه‌های پیروان ادیان و مذاهب در ارتباط با حقیقت، کمال، نجات و رستگاری هم‌کیشان خود و پیروان سایر ادیان و مذاهب می‌باشد. هر یک از این انواع دینداری موضع خاصی در برابر این مفاهیم دارند، بنابراین با توجه به موضع آنها نسبت به این مفاهیم عملیاتی شده‌اند. لازم به یادآوری است که در ساختن مقیاس نوع دینداری، دینداری انحصارگرا و دینداری کثرت‌گرا، دو سر یک طیف در نظر گرفته شدند. در نتیجه، گویه‌های معرفت‌انحصارگرایی و کثرت‌گرایی در ساختن سنجش نوع دینداری با هم ترکیب شدند. همچنین شمول‌گرایی حد وسط انحصارگرایی و کثرت‌گرایی

در نظر گرفته می شود، ولی در نوع بندی و محاسبات، فقط انحصار گرایان و کثرت گرایان متمایز می شوند. گویه های مورد استفاده برای دینداری انحصار گرا و دینداری کثرت گرا عبارتند از:

دینداری کثرت گرا:

- همه ادیان برحق هستند و هر کدام راهی متفاوت برای رسیدن به خداست.
 - هر کدام از ادیان راه نجات و رستگاری را به پیروانشان نشان می دهند.
 - مذاهب شیعه و سنی هر کدام می توانند برای پیروان خویش راه رسیدن به حقیقت و رستگاری را نشان دهند.

- هیچ فرقه ای در بین مسلمانان نمی تواند مدعی شود که فقط درک و فهم او از دین درست است.
 - تفسیرهای مختلفی که از اسلام و قرآن می شود، هر کدام می توانند دارای اعتبار باشند.

دینداری انحصار گرا:

- اسلام تنها دین برحق است و پیروان ادیان دیگر در گمراهی و ضلالت به سر می برند.
 - درهای بهشت فقط برای مسلمانان باز است و پیروان ادیان دیگر امکان ورود به آن را پیدا نمی کنند.
 - اسلام تنها دین برحق است.
 - در اسلام فقط شیعه است که به خاطر باور به امامت ائمه می تواند از عذاب آخرت نجات یابد و پیروان مذاهب دیگر امکان نجات نخواهند داشت.
 - صرفاً یک اسلام واقعی وجود دارد و آن هم اسلام محمدی و تشیع علوی است.
 - آزمون آلفای کروناخ برای گویه های انواع دینداری برابر با ۰/۹۴ می باشد و بیانگر آن است که مقیاس انواع دینداری از ضریب پایایی بالایی برخوردار است.

یافته های پژوهش

یافته های توصیفی

ویژگی های زمینه ای: همان طور که در جدول ۳ ملاحظه می شود، نسبت پاسخگویان زن و مرد نسبتاً برابر است. از نظر سنی حدود دو سوم (۶۴/۷ درصد) پاسخگویان در گروه سنی ۱۸-۲۲ سال، نزدیک به یک سوم

(۳۰/۱ درصد) در گروه سنی ۲۷-۲۳ سال و فقط ۵ درصد از آنان بیش از ۲۷ سال سن دارند. این توزیع سنی با انتظاری که از یک جمعیت دانشجویی می‌رود هماهنگ است.

جدول ۳. ویژگی‌های زمینه‌ای پاسخگویان

متغیر	طبقات پاسخ‌ها	تعداد	درصد معتبر
جنسیت	زن	۱۷۰	۴۸/۶
	مرد	۱۶۱	۵۱/۴
	بدون پاسخ	۴	-
سن	۱۸-۲۲	۲۱۳	۶۴/۷
	۲۳-۲۷	۹۹	۳۰/۱
	۳۲-۲۸	۱۷	۵/۲
	بدون پاسخ	۶	-
قومیت	فارس	۹۲	۲۸/۱
	ترک	۸۴	۲۵/۷
	لر	۴۲	۱۲/۸
	کرد	۳۸	۱۱/۶
	عرب	۲۰	۶/۱
	ترکمن	۱۹	۵/۸
	بلوچ	۱۳	۴
	سایر	۱۹	۵/۸
	بدون پاسخ	۸	-
مذهب	شیعه	۲۹۹	۹۳/۱
	سنی	۲۲	۶/۹
	بدون پاسخ	۱۴	-
دانشکده	ادبیات و علوم انسانی	۶۰	۱۷/۹
	علوم پایه	۸۹	۲۶/۶
	فنی و مهندسی	۸۵	۲۵/۴
	کشاورزی	۱۰۱	۳۰/۱

از نظر قومیت بیش از یک چهارم (۲۸/۱ درصد) از پاسخگویان فارس، حدود یک چهارم (۲۵/۷ درصد) ترک، نصف این میزان، یعنی حدود ۱۲ درصد کرد و لر و ۲۲ درصد بقیه را سایر قومیت‌ها تشکیل می‌دهند. از نظر مذهب همان‌طور که انتظار می‌رود، حدود ۹۳ درصد از پاسخگویان شیعه و ۷ درصد بقیه سنی بوده‌اند. ۱۴ نفر هم که حدود ۲ درصد از کل پاسخگویان را تشکیل می‌دهند به این سؤال پاسخ نداده‌اند. و نهایتاً توزیع پاسخگویان از نظر رشته و دانشکده به این ترتیب بوده است: ادبیات و علوم انسانی ۱۷/۹ درصد؛ علوم پایه ۲۶/۶ درصد؛ فنی و مهندسی ۲۵/۴ درصد؛ و کشاورزی ۳۰/۱ درصد.

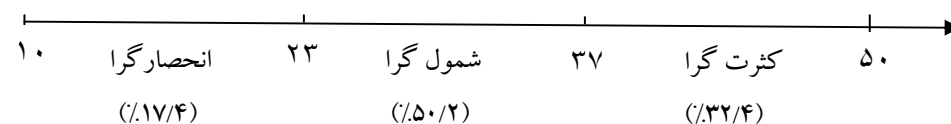
جدول ۴. توزیع درصد فراوانی پاسخگویان در ابعاد دینداری

ابعاد	میزان (%)	زیاد	متوسط	کم	میانگین از (۳)
اعتقاد دینی	۷۷/۳	۱۷/۶	۵/۱	۲/۷۲	
مناسک دینی	۵۶/۷	۳۲/۲	۱۱	۲/۴۶	
تجربه دینی	۷۳/۱	۲۲/۱	۴/۸	۲/۶۳	
پیامد دینی	۳۷	۴۲/۱	۲۰/۹	۲/۱۶	
دینداری کل	۵۳/۱	۳۳/۷	۱۳/۱	۲/۴	

دینداری: میزان دینداری دانشجویان که با سنجش‌های بر اساس مدل گلاک و استارک بررسی شده، به شرح جدول ۴ می‌باشد. ارقام این جدول نشان‌دهنده آن است که در دو بعد ذهنی‌تر و درونی‌تر دینداری (ابعاد اعتقادی و تجربی) اکثریت بالایی (حدود دو سوم) دارای دینداری بالا ارزیابی می‌شوند. اما در ابعاد عینی‌تر و اجتماعی‌تر (مناسکی و پیامدی) نمرات آنان پایین‌تر است. در دو بعد اخیر هم بعد مناسکی قوی‌تر از بعد پیامدی است. در حالی که فقط ۱۱ درصد در بعد مناسکی (رعایت مناسک دینی) ضعیف هستند، نسبت دینداران ضعیف در بعد پیامدی ۲۱ درصد است. پیامد دینی در ارتباط با نقش و جایگاه دین در جامعه و نیز حضور آن در سایر حوزه‌ها و به‌خصوص حوزه سیاسی مورد سنجش قرار گرفته است، بنابراین می‌توان گفت از نظر تمایل به رعایت اعمال و معیارهای دینی در زندگی روزمره و حوزه سیاست، دینداری دانشجویان نمونه به مراتب

کمتر از سایر ابعاد بوده است. در عین حال، شاخص دینداری کل که از ترکیب این چهار بعد ساخته شده، حاکی از آن است که حدود نیمی از دانشجویان در گروه دینداری زیاد، حدود نیمی در گروه متوسط و یک اقلیت کوچک ۱۳ درصدی در گروه دینداری کم طبقه‌بندی شدند.

از نظر انواع دینداری، همان طور که در قسمت روش مطرح شد، تقسیم‌بندی جان هیک منبای کار بود. انواع دینداری با استفاده از ده گویه مورد سنجش قرار گرفته و در یک پیوستار به گونه‌ای تقسیم شد که دامنه‌ی بالای نمره (۳۷-۵۰) کثرت‌گرایی، دامنه‌ی میانی (۲۳-۳۷) شمول‌گرایی، و دامنه‌ی پایین (۱۰-۲۳) انحصار‌گرایی در نظر گرفته شده است.



به این ترتیب، حدود یک سوم (۳۲/۴ درصد) به معرفت‌شناسی دینی کثرت‌گرا گرایش دارند و برای صاحبان مذاهب و ادیان دیگر نیز حقیقت و رستگاری قائل هستند. کمتر از یک پنجم (۱۷/۴ درصد) به معرفت‌شناسی دینی انحصار‌گرا تمایل دارند و جز طریقت دینی خود سایر ادیان و مذاهب را باطل می‌شمرند. دینداری نیمی (۵۰/۲ درصد) از آنها از نوع شمول‌گرا ارزیابی می‌شود، یعنی آنها نه به طور کامل صرفاً دین خویش را و یا درک و فهم خود از دین را بر حق می‌دانند و نه به طور کامل برای همه ادیان و یا هر نوع فهم و برداشتی از دین حقیقت قائلند.

مدارا: همان‌طور که جدول ۵ نشان می‌دهد، میزان مدارای قومیتی بیش از سایر انواع می‌باشد. در مرتبه بعد مدارای ملیتی قرار دارد. مدارا با مجرمان و مدارای سیاسی نیز در مراتب بعدی قرار دارند. کمترین مدارا نیز با جرم و نیز در روابط جنسیتی می‌باشد.

به نظر می‌رسد هویت قومی و ملیت مسأله‌چندانی برای دانشجویان در برقراری رابطه محسوب نمی‌شود. آنها افرادی را که از قومیت دیگر هستند به راحتی می‌پذیرند، به طوری که بیش از دو سوم (۶۸/۷) پاسخگویان دارای مدارای قومیتی بالا و فقط ۴/۵ درصد آنان دارای مدارای قومیتی پایینی هستند. دلیل این امر ممکن است این باشد که در محیط اجتماعی ما به خصوص دانشگاه‌ها، افرادی با قومیت‌های مختلف به صورت مسالمت‌آمیز زندگی می‌کرده‌اند و خصومت‌های قومی در جامعه ایران، در مقایسه با سایر جوامع، کمتر رخ

داده است. هر چند مدارای ملیتی کمتر از مدارای قومیتی است، ولی عدم پذیرش در مدارای ملیتی نیز اندک است، به طوری که فقط ۹/۳ درصد از پاسخگویان دارای مدارای ملیتی پایین بوده‌اند.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی پاسخگویان در انواع مدارای اجتماعی

انواع مدارا	میزان (%)	بالا	متوسط	پایین	میانگین از (۳)
مدارای دینی	۴۰/۹	۲۹	۳۰/۱	۲/۱۰	
مدارای ملیتی	۵۶/۱	۳۴/۶	۹/۳	۲/۴۷	
مدارای قومیتی	۶۸/۷	۲۶/۹	۴/۵	۲/۶۴	
مدارای سیاسی	۳۴/۳	۴۴/۸	۲۰/۹	۲/۱۳	
مدارا با مجرمان	۴۲/۱	۴۶/۹	۱۱	۲/۳۱	
مدارای اجتماعی (کل)	۲۲/۷	۴۷/۲	۳۰/۱	۱/۹۲	

با توجه به سنت دینی اسلام که در آن تفاوت‌های قومی و ملی امری طبیعی و مشیت خداوند تلقی شده و فضیلتی برای هیچ قوم و ملتی به خاطر قومیت و ملیت آنان لحاظ نشده است و همچنین با توجه به ضرورت‌های زندگی امروزی که امکان آشنایی افرادی با قومیت‌ها و ملیت‌های دیگر را بیش از گذشته فراهم آورده می‌توان انتظار داشت که تعصب و عدم مدارای قومی و ملی در بین دانشجویان ضعیف باشد. اما پذیرش افرادی که هویت دینی متفاوتی دارند و غیرمسلمان محسوب می‌شوند و مدارا با آنان، به مراتب کمتر از مدارای قومی و ملی است. با وجود این فقط نزدیک یک سوم (۱/۳۰ درصد) دارای مدارای دینی کم و حدود ۴۱ درصد دارای مدارای دینی بالا بوده‌اند. مدارای سیاسی دانشجویان نمونه مورد مطالعه هم تقریباً همانند مدارای سیاسی است. مدارا با جرم و نیز مدارا نسبت به الگوهای رفتار جنسی نابهنجار، کم، اما مدارا با مجرمان نسبتاً بالا است. به عبارت دیگر دانشجویان در عین این که نوعی سخت‌گیری نسبت به جرم و رفتار نابهنجار جنسی دارند، اما بخش قابل ملاحظه‌ای از آنان مجرمان را به نوعی قربانی جامعه می‌دانند که باید به اصلاح آنها پرداخت.

یافته‌های تبیینی

میزان دینداری: در این قسمت به بررسی روابط بین متغیرهای تحقیق و آزمون فرضیه‌ها می‌پردازیم. همان‌طور که جدول ۶ نشان می‌دهد، ضریب همبستگی^(۱) میزان دینداری با شاخص مدارای اجتماعی و انواع آن منفی است، و این نتیجه فرضیه تحقیق را مبنی بر این که با افزایش میزان دینداری از میزان مدارای اجتماعی کاسته می‌شود، تأیید می‌کند. با این حال، در بررسی رابطه میزان دینداری با انواع مدارا، به خصوص هنگامی که نوع دینداری کنترل می‌شود، نتایج دیگری به دست آمد که لزوم احتیاط در نتیجه‌گیری اولیه را ضروری می‌سازد.

جدول ۶. ضریب همبستگی میزان دینداری با شاخص مدارای اجتماعی و انواع آن

متغیر مدارا	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
شاخص مدارای اجتماعی	-۰/۶۲۹	۰/۰۰۰
مدارا با جرم	-۰/۶۶۹	۰/۰۰۰
مدارای جنسیتی	-۰/۶۶۴	۰/۰۰۰
مدارای دینی	-۰/۶۱۹	۰/۰۰۰
مدارای ملیتی	-۰/۴۲۳	۰/۰۰۰
مدارای قومیتی	-۰/۲۷۸	۰/۰۰۰
مدارا با مجرمان	-۰/۲۴۴	۰/۰۰۰
مدارای سیاسی	-۰/۲۰۹	۰/۰۰۰

چنانچه در جدول ۶ نیز ملاحظه می‌شود، دینداری بیشترین رابطه منفی را با مدارا با جرم، مدارای جنسیتی و مدارای دینی دارد. این سه مورد از موضوعاتی هستند که الگوها و آموزه‌های دینی مشخصی درباره آنها وجود دارد و حتی احکام صریح دینی نیز برای ناقضان آنها در نظر گرفته شده است، در نتیجه حساسیت دینداران نیز نسبت بدان‌ها زیاد است و یا به عبارت دیگر مدارای آنان نسبت به آنها کمتر است.

در مورد مدارای جنسیتی، می‌توان گفت که الگوهای رابطه جنسی همواره یکی از موضوعات مهم و حساس دینی در جامعه بوده است. تفکیک جنسیتی در مدارس، برخی از وسایل نقلیه عمومی، برخی از اماکن عمومی و جاهای دیگر نشان دهنده همین حساسیت‌هاست. در اسلام تنها رابطه جنسی پسندیده بین زن و مرد «ازدواج» است و روابط خارج از آن طرد شده است، بنابراین افرادی که پایبندی بیشتری به دین دارند، الگوهای دیگر روابط جنسیتی را بر نمی‌تابند.

درباره بسیاری از جرایم نیز احکام خاص دینی وجود دارد. به‌خصوص برخی از جرایم از قبیل ارتداد، دزدی، همجنس‌بازی و... دارای حکم مشخص دینی هستند، بنابراین افرادی که پایبندی دینی بیشتری دارند، نسبت به این امور با مدارای کمی برخورد می‌کنند.

در مجموع می‌توان گفت، در مواردی که در سنت دینی احکام صریح و هنجارهای اخلاقی مشخصی وجود دارد، مثل ارتباط با غیرمسلمانان، روابط زن و مرد، و بسیاری از جرایم، میزان مدارای دینداران کمتر است. در موارد دیگر از قبیل ارتباط با افرادی از قومیت‌های دیگر و یا انجام برخی فعالیت‌های سیاسی که تأکیدات و احکام دینی صریحی در مورد آنها وجود ندارد و یا حتی ممکن است آموزه‌های دینی تعدیل‌کننده روابط باشد (مثل روابط قومی)، تأثیر منفی دینداری بر مدارا کمتر می‌شود.

جدول ۷. ضریب همبستگی ابعاد دینداری با شاخص مدارای اجتماعی

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
بعد پیامدی	۰/۶۲۹**	۰/۰۰۰
بعد اعتقادی	۰/۵۴۳**	۰/۰۰۰
بعد مناسکی	۰/۴۹۵**	۰/۰۰۰
بعد احساسی	۰/۴۳۲**	۰/۰۰۰

ابعاد دینداری: از نظر رابطه ابعاد دینداری با مدارا، براساس فرضیه تحقیق انتظار می‌رود که رابطه ابعاد مختلف دینداری و مدارای اجتماعی متفاوت باشد. همان‌طور که جدول ۷ نشان می‌دهد، شدت رابطه بدست آمده بین ابعاد مختلف دینداری و مدارای اجتماعی تفاوت اندکی دارد. به طوری که بعد تجربی یا احساس

دینی کمترین رابطه منفی و بعد پیامد دینی بیشترین رابطه منفی را نشان می‌دهد. پیامد دینی همراه با سنججه‌هایی در مورد اعتقاد به دخالت دین در حوزه اجتماعی و سیاست و یا نقش حداکثری قائل شدن برای دین مورد سنجش قرار گرفته است. بنابراین افرادی که حضور دین را در سایر حوزه‌ها و به خصوص سیاسی ضروری می‌دانند، کمتر اهل مدارا هستند. «عبدالکریم سروش» نیز در بحث خویش از «دین حداقلی و دین حداکثری» همین نکته را یادآور می‌شود (۱۳۷۷: ۵-۲)؛ ضمن این که «کارپف» در بررسی «رابطه دینداری و مدارای سیاسی» نتیجه می‌گیرد که دینداری با مشخصه‌های عمومی آن تأثیر چندانی بر مدارای سیاسی ندارد، بلکه اعتقاد به نقش دین در امور سیاسی و یا دینداری تئوکراتیک در این مورد تعیین کننده است (۲۰۰۲).

نوع دینداری: بررسی رابطه نوع دینداری، که بر اساس مفاهیم مطرح شده توسط جان هیک سنجیده شده، با مدارای اجتماعی نشان‌دهنده تأثیر مثبت دینداری کثرت‌گرا و تأثیر منفی دینداری انحصارگرا بر مدارای اجتماعی است، ضمن این که دینداران شمول‌گرا دارای مدارای متوسطی بودند. شدت رابطه نوع دینداری کثرت‌گرا با شاخص مدارای اجتماعی و انواع آن به شرح جدول ۸ می‌باشد.

جدول ۸. ضریب همبستگی نوع دینداری با شاخص مدارای اجتماعی و انواع آن

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
شاخص مدارای اجتماعی	۰/۶۸	۰/۰۰۰
مدارای دینی	۰/۶۳	۰/۰۰۰
مدارا با جرم	۰/۶۰	۰/۰۰۰
مدارای ملیتی	۰/۵۴	۰/۰۰۰
مدارای جنسیتی	۰/۵۳	۰/۰۰۰
مدارای قومیتی	۰/۴۳	۰/۰۰۰
مدارای سیاسی	۰/۳۵	۰/۰۰۰
مدارا با مجرمان	۰/۳۴	۰/۰۰۰

جدول ۹. ضریب همبستگی جزئی بین میزان دینداری و مدارای اجتماعی با کنترل نوع دینداری

متغیر	ضریب همبستگی جزئی	سطح معناداری
مدارای جنسیتی	-۰/۵۰	۰/۰۰۰
مدارا با جرم	-۰/۴۶	۰/۰۰۰
مدارای دینی	-۰/۳۶	۰/۰۰۰
شاخص مدارای اجتماعی	-۰/۳۴	۰/۰۰۰
مدارای ملیتی	-۰/۱۲	۰/۰۳۴
مدارا با مجرمان	-۰/۰۴	۰/۵۱۱
مدارای سیاسی	۰/۰۲۴	۰/۶۶۷
مدارای قومیتی	-۰/۰۱	۰/۹۱۹

نمره بالا در نوع دینداری بیانگر کثرت گرایی و نمره پایین نشان دهنده انحصار گرایی است، بنابراین رابطه مثبت بین نوع دینداری و مدارا نشان دهنده آن است که دینداران کثرت گرا دارای مدارای بیشتری هستند. با وجود این، چنانچه ملاحظه می شود، تأثیر نوع دینداری در هر یک از انواع مدارا به یک میزان نیست. نوع دینداری بیشترین رابطه را با شاخص مدارای اجتماعی، مدارای دینی، جرم و مدارای جنسیتی دارد. افرادی که برای همه سنت های دینی بهره ای از حقیقت قائل هستند و رستگاری پیروان آنها را ممکن می دانند، بیشتر حاضر به برقراری ارتباط با غیرهم کیشان و قبول آنها به عنوان شریک زندگی، شریک تجاری، همسایه، هم نشین و... هستند. در مقابل، کسانی که صرفاً دین و آیین خود را واجد حقیقت و فقط پیروان آن را شایسته رستگاری می دانند، نه تنها پیروان ادیان دیگر را بیشتر طرد می کنند، بلکه نسبت به ملیت ها و قومیت های دیگر هم مدارای کمتری دارند. در مورد انواع دیگر مدارا هم، چنانچه ضرایب همبستگی جدول ۸ نشان می دهد، نوع دینداری تأثیر گذار است، به طوری که دینداران کثرت گرا با مدارای بیشتری برخورد می کنند.

به منظور مشخص کردن این که آیا رابطه اولیه دیده شده بین میزان دینداری و مدارای اجتماعی با کنترل نوع دینداری همچنان صادق است و یا این که این رابطه متأثر از نوع دینداری می باشد؛ رابطه میزان دینداری و مدارای اجتماعی با کنترل نوع دینداری (کثرت گرایی و انحصار گرا) محاسبه شد. همان طور که در جدول ۹

ملاحظه می‌شود، با کنترل نوع دینداری همبستگی اولیه بین میزان دینداری و مدارا کاهش می‌یابد. در برخی از انواع مدارا از قبیل مدارای جنسیتی، مدارا با جرم و مدارای دینی با این که شدت همبستگی کاهش یافته، اما ضریب همبستگی موجود همچنان با احتمال خطای کمتر از ۰/۰۰۱ معنادار و در حد متوسط به پایین است (۰/۳۴ تا ۰/۵۰). اما در مدارای قومیتی، سیاسی و مدارا با مجرم ضریب همبستگی موجود ضعیف است و از نظر آماری معنادار نیست و این امر نشان می‌دهد رابطه اولیه بین این متغیرها یک رابطه کاذب و ناشی از نوع دینداری می‌باشد. با کنترل نوع دینداری همچنان بیشترین رابطه منفی میزان دینداری با مدارای جنسیتی و در مرتبه بعد به ترتیب با مدارا با جرم و مدارای دینی است. در آزمون رگرسیون چندگانه نیز همین نتیجه مشاهده شد.

جدول ۱۰. آزمون رگرسیون چندگانه برای مدارای اجتماعی

متغیرهای مستقل	شاخص مدارای اجتماعی		مدارای جنسیتی		مدارای جرم		مدارای دینی		مدارای ملیتی		مدارای قومیتی		مدارای سیاسی		مدارای مجرمان	
	Sig	Beta	Sig	Beta	Sig	Beta	Sig	Beta	Sig	Beta	Sig	Beta	Sig	Beta	Sig	Beta
نوع دینداری (کرتوگرایی)	۰/۴۳	۰/۰۰۰	۰/۱۳	۰/۰۱۲	۰/۲۸	۰/۰۰۰	۰/۴۱	۰/۰۰۰	۰/۴۵	۰/۰۰۰	۰/۳۹	۰/۰۰۰	۰/۳۳	۰/۰۰۰	۰/۳۲	۰/۰۰۰
میزان دینداری	-۰/۲۴	۰/۰۰۰	-۰/۴۸	۰/۰۰۰	-۰/۴۱	۰/۰۰۰	-۰/۱۷	۰/۰۰۰	-۰/۰۸	۰/۱۹۶	۰/۰۱	۰/۸۱۸	۰/۱۰	۰/۱۳۹	-۰/۰۱	۰/۸۴۵
جنسیت	-۰/۱۲	۰/۰۰	-۰/۰۸	۰/۰۵	-۰/۱۲	۰/۰۰۲	-۰/۱۱	۰/۰۰۷	-۰/۰۶	۰/۲۱۸	-۰/۰۲	۰/۶۰۲	-۰/۲۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰	۰/۹۷۰
سن	۰/۰۴	۰/۳۵۴	۰/۰۵	۰/۲۶۹	۰/۰۰	۰/۸۷۳	۰/۰۳	۰/۴۵۴	۰/۰۳	۰/۵۰۵	۰/۰۱	۰/۸۷۶	۰/۰۶	۰/۳۰۹	۰/۰۶	۰/۳۳۵
سال تحصیلی	۰/۱۰	۰/۰۲	۰/۱۱	۰/۰۱	۰/۱۴	۰/۰۰۱	۰/۱۰	۰/۰۲۵	۰/۰۲	۰/۶۰۰	-۰/۰۵	۰/۳۹۲	۰/۰۲	۰/۶۶۷	۰/۱۱	۰/۰۶۳
تحصیلات والدین	۰/۱۹	۰/۰۰۲	۰/۱۴	۰/۰۲	۰/۲۴	۰/۰۰۰	۰/۱۴	۰/۰۲۴	۰/۱۳	۰/۰۸۶	۰/۰۷	۰/۳۶۱	۰/۲۵	۰/۰۰۲	۰/۱۱	۰/۱۶۴
درآمد	۰/۱۱	۰/۰۱۱	-۰/۰۲	۰/۵۷۷	۰/۰۴	۰/۲۸۱	۰/۱۳	۰/۰۰۵	۰/۱۱	۰/۰۳۳	۰/۰۸	۰/۱۴۶	۰/۰۷	۰/۲۱۰	-۰/۰۹	۰/۱۰۸
وارانس تبیین شده	$R^2_{مد} = ۰/۵۳۳$		$R^2_{مد} = ۰/۴۹۵$		$R^2_{مد} = ۰/۵۴۰$		$R^2_{مد} = ۰/۴۹۳$		$R^2_{مد} = ۰/۳۰۰$		$R^2_{مد} = ۰/۱۵۹$		$R^2_{مد} = ۰/۱۵۷$		$R^2_{مد} = ۰/۱۲۵$	

همان‌طور که نتایج جدول ۱۰ نشان می‌دهد، در آزمون رگرسیون چندگانه نوع دینداری قوی‌ترین متغیر تأثیرگذار بر شاخص مدارای اجتماعی و انواع مداراست به طوری که با کنترل سایر متغیرها اثر آن در همه موارد قابل ملاحظه و معنی‌دار است. اثر میزان دینداری فقط بر مدارا با جرم، مدارای جنسیتی و مدارای دینی معنادار است. با وجود این، حتی در دو مورد اول، اثر میزان دینداری بر مدارا بیش از نوع دینداری است. در بقیه موارد

تأثیر میزان دینداری بر مدارا معنادار نیست. به این ترتیب در مدارای ملیتی، قومیتی، سیاسی، و مدارا با مجرمان میزان دینداری متغیر مناسبی جهت پیش‌بینی نیست، بلکه این نوع دینداری است که اثر تعیین‌کننده‌ای دارد بدین معنی که دینداران انحصارگرا در این امور مدارای کمتری دارند. به عبارت دیگر دینداری به خودی خود اثری بر مدارا با اقوام، ملیت‌ها، صاحبان گرایش‌های سیاسی دیگر، و حتی مجرمان ندارد، بلکه نوع دینداری و یا تفسیرهای کثرت‌گرا یا انحصارگرا از دین است که میزان مدارا با این گروه‌ها را مشخص می‌کند.

از نظر اثر متغیرهای مستقل زمینه‌ای (جنسیت، سن، مذهب - شیعه و سنی -، سال تحصیلی، تحصیلات والدین، درآمد خانواده)، نتایج معادله رگرسیون نشان می‌دهد که اثر جنسیت بر مدارای جنسیتی، مدارا با جرم، مدارای دینی، و مدارای سیاسی معنی‌دار است و میزان مدارای زنان کمتر از مردان است، ولی جنسیت بر مدارای قومیتی، مدارای ملیتی، و مدارای با مجرمان اثری ندارد. سن، حداقل در دامنه محدود آن در این مطالعه، هیچ اثری بر مدارا ندارد. سال تحصیلی بر مدارای جنسیتی، مدارا با جرم، و مدارای دینی اثر ضعیف معنی‌داری دارد (بتای حدود ۰/۱)، ولی بر سایر انواع مدارا اثری ندارد.

افرادی که والدینشان تحصیلات بیشتری دارند، دارای مدارای جنسیتی، مدارا با جرم، مدارای دینی، و مدارای سیاسی بیشتری هستند، ولی از نظر مدارای قومیتی، مدارای ملیتی، و مدارای با مجرمان تفاوتی با دیگران ندارند. الگوی تأثیرگذاری درآمد خانواده بر مدارای افراد تاحدی با الگوی تحصیلات متفاوت است. افرادی که به خانواده‌های پردرآمدتر تعلق دارند، دارای مدارای دینی و مدارای ملیتی بیشتری هستند، ولی در سایر انواع مدارا تفاوتی با افراد متعلق به خانواده‌های کم‌درآمدتر ندارند. در مجموع نتایج حاصل از رگرسیون چندمتغیره حاکی از آن است که در بین متغیرهای مورد بررسی دینداری (میزان و انواع آن) مهم‌ترین متغیرهای تبیین‌کننده مدارا هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

در مجموع یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که دین و دینداری، در مقایسه با متغیرهای زمینه‌ای مورد بررسی، بیشترین تأثیر را بر مداراجو بودن افراد دارند. با وجود این به نظر می‌رسد که بین دینداری و مدارا رابطه‌ی بسط و قاطعی وجود ندارد. بنابراین نباید در خصوص مداراجو بودن و یا عدم مدارای دینداران اظهار نظرهای یک‌سویه و قاطع مطرح کرد. در این زمینه، از یک طرف، باید موضوعات مورد مدارا را مشخص

کرد. چنانچه در بررسی حاضر مشاهده شد، در برخی از موضوعات از قبیل جرایم و روابط جنسیتی میزان دینداری اصلی ترین متغیر تأثیر گذار است، در موضوعات دیگر از قبیل مدارای ملیتی، مدارای قومیتی، مدارای سیاسی و مدارا با مجرمان میزان دینداری چندان تأثیری ندارد.

در واقع، چنانچه ماکس وبر نیز یادآور می شود (۱۳۸۲: ۳۷۵) آنجا که از سوی دین موضع گیری خاصی در جهت نفی برخی امور وجود دارد که منجر به تنش دین با این امور می شود، دینداران نیز به تبعیت از آن همین موضع گیری را نشان می دهند که پیامد آن عدم مدارا نسبت به آن امور و رفتار است. قواعد اخلاقی و احکام صریح سنت دینی همه ادیان و به خصوص اسلام درباره روابط جنسی و سایر رفتار مجرمانه، که در قوانین جزای اسلام آمده، باعث می شود تا میزان مدارای دینداران نسبت به این امور کم باشد. در مقابل، آموزه های اسلامی مبنی بر برابری و مساوات همه اقوام و ملل را ممکن است بتوان دلیل فقدان رابطه قابل ملاحظه بین میزان دینداری و مدارای قومی و سیاسی دانست. همچنین در متون اسلامی احادیث، روایات و آموزه هایی وجود دارد که بر اساس آنها، با وجود نکوهش شدید جرم، توجه به زمینه های ارتکاب جرم و نوعی پرده پوشی و کمک به مجرم برای بازگشت به زندگی عادی توصیه می شود. شاید به همین دلیل است که هر چه افراد دیندارترند، مدارای کمتری نسبت به جرم دارند، ولی بین دینداری و مدارا نسبت به مجرم با کنترل سایر متغیرها رابطه ای وجود ندارد.

از طرف دیگر، نکته مهم دیگری که یافته های این پژوهش بر آن دلالت دارند، این است که در بررسی رابطه دین و مدارا، علاوه بر مشخص کردن موضوعات مورد مدارا باید نوع دینداری یا طرز تلقی و فهم و تفسیر آنها را نیز در نظر گرفت. در درون سنت های دینی همواره تفسیرهای متفاوتی از دین وجود داشته است که هر کدام پی آمدهای متفاوتی بر کنش پیروان و روابط اجتماعی آنان دارند. در نتیجه، نمی توان از رابطه یک بعدی دین و مدارا صحبت کرد. یافته های این پژوهش نشان داد که رابطه منفی بسیار قابل ملاحظه ای بین دینداری انحصارگرا و همه انواع مدارا وجود دارد. کسانی که نوع دینداریشان انحصارگرایانه است، حتی مدارای ملیتی و قومیتیشان هم کمتر است. بنابراین آنچه در بررسی رابطه دینداری و مدارا اهمیت دارد، نوع دینداری است و نه میزان دینداری. در این پژوهش به دلایلی که مطرح شد، نوع دینداری از نظر طرز تلقی دینداران نسبت به حقانیت و رستگاری سنت دینی خود و دیگران، که توسط جان هیک (۱۳۷۸) مطرح شده،

مبنای تمایز انواع دین قرار گرفت. سایر نوع‌بندیهای دینداری ممکن است جنبه‌های دیگری از دینداری و مدارا را توضیح دهد.

دین متنی است که توسط پیروان به صورت‌های مختلفی تفسیر می‌شود و معنا پیدا می‌کند. در نتیجه، در هر سنت دینی تفسیرها و نظام‌های معنایی مختلفی شکل گرفته است. در سنت دینی اسلام هم امکان ارائه تفسیرهای مداراجویانه و هم زمینه‌هایی برای اشاعه تفسیرهای نامداراجویانه وجود دارد. در اینجا بدون این که قصد واردشدن به منازعات درون‌دینی و کلامی درباره حقانیت این یا آن قرائت را داشته باشیم، این نکته را عنوان می‌کنیم که ضرورت جامعه جدید زندگی مسالمت‌آمیز و همراه با احترام مقابل اقوام، پیروان ادیان و مذاهب، صاحبان سبک‌های مختلف زندگی، و نیز اعمال رویه‌های مداراجویانه در مدیریت جامعه، حتی در مدیریت جرائم و کجرفتاری‌هاست. به عبارت دیگر، داشتن روش و منش مداراجویانه و اتخاذ روش‌های مبتنی بر مدارا یک ضرورت کارکردی در دوران جدید است. در نتیجه، تأکید بر تفسیرهای مداراجویانه دینی نه تنها ممکن است به جوهر رحمانی و مکارم اخلاقی دین نزدیکتر باشد، بلکه با ضرورت‌های کارکردی جامعه جدید هم سازگارتر است.

در پایان، از نظر تداوم طرح‌های پژوهشی درباره موضوع با اهمیت دین و مدارا هم لازم است به چند نکته اشاره شود. در این پژوهش دینداری بر اساس مدل گلاک و استارک تعریف عملیاتی شد. هر چند که گلاک و استارک ادعا می‌کنند که مدل پیشنهادی آنها وجوه مشترک همه ادیان را در برمی‌گیرد (۱۹۷۱: ۱۹) و این ادعا تا حد زیادی هم موجه به نظر می‌رسد (ر.ک. سراج‌زاده و توکلی، ۱۳۸۳: ۷۶-۶۲)، با این حال، مفهوم‌سازی دینداری با توجه ویژه به دین اسلام، و ابعاد احتمالاً متفاوتی که ممکن است در آن متمایز شود (ر.ک. حبیب‌زاده خطبه‌سرا، ۱۳۸۴) می‌تواند رابطه دینداری مسلمانان با مدارا را با دقت و تفصیل بیشتری تبیین کند.

به علاوه، دینداری مفهومی است که انواع مختلفی برای آن برشمرده‌اند. در این تحقیق از دید معرفت‌شناختی و تلقی دینداران از حقانیت دین به مساله نگاه شد و براین اساس دینداری کثرت‌گرا و انحصارگرا متمایز شدند. در پژوهش‌های بعدی می‌توان با ارائه مدل‌های دیگری از انواع دینداری از قبیل دینداری شخصی یا نهادینه، دینداری لیبرال و بنیادگرایانه، دینداری سکولاریستی و تئوکراتیک، دینداری درون‌گرا و برون‌گرا و غیره، تأثیر انواع دیگر دینداری بر مدارا را مورد بررسی قرار داد.

نکته دیگر این که نمونه این تحقیق را عمدتاً شیعیان تشکیل می‌دادند و تعداد اهل سنت در نمونه به اندازه‌ای نبود که بتوان تفاوت‌های مذهبی در مدارا را بررسی کرد. تأثیر انواع مذاهب درون یک سنت دینی به عنوان یکی از موضوعاتی که می‌تواند بازنمای سنت‌های مذهبی مختلف از نظر مدارا جویی باشد، از این نظر با اهمیت است.

به این موضوع هم لازم است توجه شود که در این تحقیق رابطه میزان و انواع دینداری با مدارای اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت و در کنار آن اثر برخی از متغیرهای زمینه‌ای هم کنترل شد. با توجه به این که دینداری مفهومی است که می‌تواند با مفاهیمی از قبیل جزم‌اندیشی و اقتدارگرایی و حتی اجتماع‌گرایی و برخی از متغیرهای اجتماعی دیگر در ارتباط باشد، بنابراین می‌توان در تحقیقات آتی تأثیر این متغیرها را نیز مورد سنجش قرار داد و با کنترل آنها تأثیر دینداری را مورد ملاحظه قرار داد.

به عنوان آخرین پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی، باید گفت که جمعیت این پژوهش، یعنی دانشجویان، قشر خاصی هستند که به اقتضای موقعیت نقشی خود مدارا جوتر از سایر اقشار اجتماعی هستند. در نتیجه، روابط مشاهده‌شده بین دینداری و مدارا بر اساس یافته‌های یک نمونه از دانشجویان، ممکن است با یافته‌های مربوط به گروه‌های دیگر اجتماعی متفاوت باشد. بنابراین، بررسی رابطه دینداری و مدارا بر اساس نمونه‌ای از سایر گروه‌های اجتماعی ممکن است نتایج متفاوتی در پی داشته باشد و جنبه‌های دیگری از رابطه دین و مدارا نشان دهد.

یادداشت‌ها

۱. با آنکه متغیرهای گرایشی در سطح ترتیبی هستند، از آنجا که شمار گویه‌های به کاررفته در سنجش‌ها، در حدی است که دامنه نمره سنجش‌ها با لاست، برای بررسی رابطه متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

فهرست منابع

- آپورت، گوردون (۱۳۷۹): «دین و تعصب»، ترجمه نازنین شاه رکنی، کیان، شماره ۵۲، صص ۶۵-۵۹.
- افشانی، علیرضا (۱۳۸۱): «بررسی چگونگی تساهل سیاسی در تشکل‌های دانشجویی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۴): «دولت عقل: ده گفتار در فلسفه و جامعه‌شناسی سیاسی»، تهران، مؤسسه نشر علوم نوین.
- بهمن پور، ثریا (۱۳۷۸): «بردباری اجتماعی و نشانگان فرهنگی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه شهید بهشتی.
- پارسونز، تالکوت (۱۳۷۹): «عقلانیت و آزادی»، مجموعه مقالات، ترجمه احمد تدین و یدالله موقن، تهران، نشر هرمس.
- حیب‌زاده خطبه‌سرا، رامین (۱۳۸۴): «بررسی انواع دینداری در بین دانشجویان دانشگاه تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- دفتر طرح‌های ملی (۱۳۸۱): «پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان»، موج اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دورکیم، امیل (۱۳۶۹): «درباره تقسیم کار اجتماعی»، ترجمه باقر پرهام، بابل، انتشارات کتابسرای بابل.
- سراج‌زاده، سیدحسین و جواهری، فاطمه (۱۳۸۳): «نگرش‌ها و رفتار دانشجویان»، تهران، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- سراج‌زاده، سیدحسین (۱۳۷۷): «نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی»، نامه پژوهش، سال دوم، شماره ۷ و ۸، صص ۱۰۵-۱۲۰.
- سراج‌زاده، سیدحسین و توکلی، مهناز (۱۳۸۳): «بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش‌های تجربی»، در سیدحسین سراج‌زاده، چالش‌های دین و مدرنیته: مباحثی جامعه‌شناختی در دینداری و سکولاریزیشن، تهران: طرح نو.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۷): «دین اقلی و اکثری»، کیان، شماره ۴۱، صص ۹-۲.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۸): «اصناف دین‌ورزی»، کیان، شماره ۵۰، صص ۲۶-۲۲.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۰): «تعهد مذهبی و تعلق سیاسی»، نامه پژوهش، سال پنجم، شماره ۲۰ و ۲۱، صص ۲۲-۳.
- فروم، اریک (۱۳۵۴): «دین و رواتکاو»، ترجمه آرسن نظریان، تهران، انتشارات چاپار.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۷۸): «اسلام و لیبرالیسم»، کیان، شماره ۴۸، صص ۱۳-۱۰.

میرسندهی، سیدمحمد (۱۳۸۳): «مطالعه میزان و انواع دینداری دانشجویان»، پایان‌نامه دکتراى جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات دانشگاه تربیت مدرس.

ویر، ماکس (۱۳۸۲): *دین، قدرت، جامعه*، ترجمه احمد تدین، تهران، انتشارات هرمس.

هابرماس، یورگن (۱۳۷۹): «کنش ارتباطی: بدیل خشونت»، ترجمه ابراهیم سلطانی، *کیان*، شماره ۴۵، صص ۱۵۷-۱۵۹.

هیگ، جان (۱۳۷۸): *مباحث پلورالیسم دینی*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، نشر تیان.

Agius, E. & Ambrosewicz, J. (2003): "Towards a Culture of Tolerance & Peace", Saint- Mathiea Street Montreal (Quebec) Canada, <http://www.ibcr.org>.

Dominic, E. (1993): "Tolerance, Intolerance & Inter-Religious Dialogue", *Inter-Religious Dialogue*, No. 23: 15-29.

Ellison, C. G. & Musick, M. A. (1993): "Southern intolerance: A fundamentalist effect?", *Social Forces*, 72(2): 379-98.

Glock C. and R. Stark (1971): *Religion and Society in Tension*, US, Rand McNally & Company.

Karpov, V. (2002): "Religiosity & Tolerance in the United States & Poland", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 41: 267-288.

King, P. (1976): *Toleration*, London: Geore Allen & Unwin.

O'Donnell, J. P. (1993): "Predicting Tolerance of New Religious Movements: A Multivariate Analysis", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 32 (4): 356-65.

Smidt, C. & Penning, J. M. (1982): "Religious commitment, political conservatism, and political and social tolerance in the United States: A longitudinal analysis", *Sociological Analysis*, 43(3): 231-46.

Steiber, S. R. (1980): "The Influence of Religious Factor on Civil and Sacred Tolerance, 1958-71", *Social Forces*, 58 (3): 811-32.

William, M. ed. (1997): *The American Heritage Dictionary of the English language*, New York: The Houghton Mifflin Company.

مشخصات مؤلفان

سیدحسین سراجزاده، دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه اسکس انگلستان و استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت‌معلم تهران است. حوزه علائق پژوهشی او، جامعه‌شناسی دین، جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل اجتماعی ایران است.

E-mail: serajsh@yahoo.com

سارا شریعتی مزینانی، دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه پاریس و استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. علاقه پژوهشی او جامعه‌شناسی دین است.

E-mail: salarsara@hotmail.com

سیروس صابر، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه تربیت‌معلم تهران است.

E-mail: sirossaber@yahoo.com